

جوان و رسالت خانواده - 3

<"xml encoding="UTF-8?">

از آنجا که احساس نیاز به مذهب یکی از خواسته‌های فطری جوان است، پدر و مادر باید برای جهت دهی به این نیاز جوان را کمک کنند و اطلاعات لازم و آموزشهای ضروری را در اختیار او بگذارند. دین به مجموعه‌ای از عقاید، آداب و احکامی گفته می‌شود که از طرف خداوند توسط انبیاء برای هدایت بشر آورده شده است.

جوان همان گونه که در رشد جسمی خود و آشنایی با فنون و مهارت‌های مختلف به توجه و مراقبتهای اطرافیان نیازمند است، در پای بندی به مذهب و آشنایی با ارزشهای انسانی و اجتماعی نیز باید از مراقبت و راهنمایی والدین و مربیان دلسوز برخوردار باشد. او باید نقش ایمان و اعتقاد به خدا را در زندگی فردی و اجتماعی باور کرده و بر اساس آن باور، هدف یابی نماید.

داشتن هدف در زندگی یکی از رموز اساسی موفقیت است. چه بسیار جوانانی که بعد از انتخاب هدف با پشتکار و جدیت به مقامات عالی و کمالات مادی و معنوی رسیده اند. جوانی که در پرتو آموزش مذهبی پدر و مادر خویش هدفدار تربیت می‌شود، در انتخاب نوع جهان بینی و برداشت از جهان موفق تر است. در تجزیه و تحلیل حوادث جهان و تعیین جایگاه خود و مسؤولیتش کمتر دچار خطا و لغزش می‌شود. او برای عالم هستی، مبدأ و معاد قائل است و بر اساس آن به «بایدها» و «نبایدها» تن می‌دهد. در زمینه انسان شناسی، انسان را فردی یله و رها نمی‌داند. در روابط اجتماعی انگیزه های اخلاقی و انسانی را مورد نظر قرار می‌دهد و دهها اثر دیگر که آموزش مذهبی و ایمان به خدا به دنبال دارد.

او به نقش «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آگاه است و بر اساس «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (هر کس از یاد من رو گرداند زندگی تنگ و تاریکی خواهد داشت) خدا را بر خود ناظر و حاکم می‌داند و خود را از دلهره و اضطراب روانی نجات می‌دهد.

شیوه آموزش دینی

بهترین شیوه آموزش مذهبی از ناحیه والدین، عمل کردن آنها به گفته های خویش است که این روش بانفوذتر، جذابتر و اثربخش تر است.

چه بسیار پدران و مادرانی که در موضع تعلیم با شکست مواجه شده اند و نتیجه ای نگرفته اند، و آن به این دلیل است که خود «عامل» به گفته های خویش نبوده اند و یا با تحکم و زور به آموزش آنها اقدام کرده اند. مثلاً در باب توحید و معاد وقتی جوان اثر این دو اعتقاد را در رفتار و گفتار والدینش مشاهده نکند، به این دو اصل اساسی اسلامی بی اعتقاد و حداقل سست عقیده خواهد شد.

پدر و مادر در باب عمل به اصول اجتماعی و اخلاقی مانند انفاق، احترام به سالمندان، کمک به مستمندان، همیاری عمومی، عمل به آداب و رسوم اجتماعی و مقررات شهری و نظم و انضباط در امور روزمره اگر بی تفاوت باشند و با حالت غفلت و بیگانگی از کنار آنها عبور کنند، جوان هم بی تفاوت خواهد بود.

در باب عبادات فردی مانند نماز و روزه و دعا، اگر جوان در والدین خود سهل انگاری دید او هم نسبت به آن متزلزل خواهد شد. و خلاصه صدها مورد دیگر که والدین با کوتاهی و عمل نکردن، موجب انحراف و گمراهی جوانشان می شوند.

بسیاری از پدران و مادران حرفشان در محیط خانه حاکم و حاضر است اما عملشان غایب و ناپیداست و این خود دردی است که جوان را به سوی فرهنگ بیگانه می کشد و او را از فرهنگ اسلامی خویش دور می کند. دشمنان با استفاده از این خلاء و ناآشنایی و کوتاهی والدین به شیوه های آموزش مذهبی جوانان، کوشیدند تا فرهنگ اسلامی را تحقیر کنند، بی اهمیت جلوه دهند و از یادها ببرند. دانش اسلام، دانشمندان و کتابهای اسلام، شعر، هنر، اخلاق، آداب و رسوم و ارزشهای اسلام را ندیده بگیرند و آنها را قدیمی قلمداد نمایند. آنان به این اندازه بسنده نکردند بلکه در چگونگی رفتار فردی مسلمان، آداب معاشرت، مسایل خانوادگی، روابط، پوشش و امثال این امور نیز با عنوانهای عوام فریب و درون تهی «تجدد و تمدن» دخالت کردند و مسلمانان را از سلاح نیرومند و بڑان سنت اسلامی خلع نمودند و مغز دختران و پسران را نسبت به داده های فرهنگ اسلام بی خبر بار آوردند و آنها را در بی هویتی دینی و فرهنگی پرورده و مرعوب فکری خویش ساختند و کار بدانجا رسید که همگی پنداشتند، آنچه امروز بشریت دارد، همه از همین تجدد و تمدن خواهی غربی پدید آمده است و دیگر اقوام بویژه مسلمانان هیچ سهمی در این علم و تمدن و تحول نداشته اند. طبیعی است که با رفتن فرهنگ، سنت می رود، و با رفتن سنت، اخلاق، و با رفتن اخلاق، وجدان مبتنی بر آن. در این هنگام آن بنای استوار فرو می افتد و چون بنا فرو افتد، هر گونه تاخت و تاز و حمله و شبیخون ممکن می شود. (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی تسریع نمایید پیش از آنکه مخالفین گمراه بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاک آنها جای دهند و گمراهشان سازند.» (2)

تضاد شیوه تربیتی خانه و مدرسه

آن طور که از تعدادی از نامه ها و درد دلها فهمیده می شود، وجود دوگانگی روشهای تربیتی و رفتاری، بین خانه و مدرسه است. عده ای از نوجوانان و جوانان در محیط مدرسه تحت تأثیر سخنان مربیان تربیتی و معلمان خویش قرار می گیرند و روزه ای را برای خود گشوده می بینند. با امیدواری و نشاط ساعتی را در مدرسه می گذرانند، اما به محض رسیدن به منزل و برخورد با والدین و مشاهده سهل انگاری والدین و نزاع و خدافراموشی آنان تمام آن امیدها به یأس و نگرانی تبدیل می شوند.

اگر مربی تربیتی و یا معلم مسایل محرم و نامحرمی را به دختری آموزش دهد و او به خاطر طبیعت پاک و خداجویانه اش تحت تأثیر قرار گیرد و در خانه خلاف آن را مشاهده کند تمام تبلیغات و ارشادات مربیان و معلمان را نقش بر آب کرده است.

برای اصلاح این تضاد چه باید کرد؟ آیا راهی غیر از بازنگری در رفتارهای مذهبی پدر و مادر وجود دارد؟!

آموزش مکارم و محاسن اخلاقی

جامعیت اسلام اقتضاء می کند تا مسلمانان به همه آداب فردی و اجتماعی که موجب کمال معنوی و بهبود

روابط اجتماعی است، آراسته شوند.

آموزش مکارم و محاسن اخلاقی از ضروریات زندگی سالم و آرام انسانهاست، زیرا زندگی بدون اخلاق و تربیت منهای اخلاق بی معناست و آدمی را به بیراهه می برد.

مکارم و محاسن اخلاقی را این گونه می توان تعریف نمود:

خُلَقیاتی که معیار انسانیت و حاکی از بزرگواری طبع و تعالی روحانی است، مکارم اخلاقی نامیده می شود، مانند رعایت انصاف و عدالت، گذشت و فداکاری، امانتداری و وفای به عهد و ... و خلقیاتی که مایه حسن روابط اجتماعی و باعث جلب منافع مادی و بهبود زندگی و نزدیکی دلها به یکدیگر است، محاسن اخلاقی نامیده می شوند. مانند احترام به دیگران، عیادت بیماران، پاکیزگی، خوشرویی و تبسم با مردم، ادب در گفتار، تسلیت مصیبت زدگان، احترام سالمندان، صله رحم و رسیدگی به محرومان و مستمندان و ...، اگر چه این صفات و خوبیها دلیل بر حقانیت صاحبان آنها نیست.

پس مکارم و محاسن اخلاقی از شاخه های ارزشمند مکتب اسلامند که جوان در حیات فردی و اجتماعی خود نمی تواند از آنها بی نیاز باشد.

در کنار جوان

در اینجا تذکر این نکته لازم است که «همدلی و همدمی والدین» با جوانان یکی از ابزار تربیت آنان و هدایت احساسات آنهاست. پدران و مادرانی که مجالس مهمانی و گردش را بر همدمی با جوانانشان و گوش دادن به درد دلهای آنان ترجیح می دهند و با بی اعتنائی و بی توجهی، آنها را به حساب نمی آورند، بزرگترین خیانت را در مورد جوانشان مرتکب شده اند و او را به سوی دوستان ناباب و فاسد سوق داده اند.

مربیان جدید معتقدند که بهترین یادگار پدر برای فرزندانش همان دقایق اندکی است که هر روز از وقت خود را به فرزندش اختصاص می دهد و در قالب همنشینی با او، بسیاری از خصایص و ویژگیهای خود را به او منتقل می کند. در غیر این صورت، شخصیت رفتاری و عقیدتی جوان از دوستانش شکل می گیرد.

تو اول بگو با کیان زیستی
پس آنگه بگویم که تو کیستی

نقش مساجد در آموزشهای مذهبی

مسجد در طول تاریخ اسلام به عنوان قدیمی ترین و مردمی ترین پایگاه فرهنگی و مذهبی مطرح بوده است. پیامبر اکرم (ص) از مسجد برای کلاس درس، آموزش نظامی و دیگر اجتماعات استفاده می کرد. لذا پرجاذبه بودن مساجد یکی دیگر از ابزار آموزشهای مذهبی جوانان است. روح جوان حساس، هیجانی و نوخواه است، او می خواهد مسایل را با دلیل و استدلال بپذیرد، احترام به خود را دوست دارد، به نظافت و تنوع محیط اطرافش علاقه مند است. از این رو اهل مسجد باید در جذب این قشر جوان تمام تلاش خود را با استفاده از شیوه های صحیح علمی به کار گیرند.

امام جماعت مسجد باید با روحیات و نیازهای روانی، عاطفی جوانان آشنا باشد و برای آنها حرف نو و مسأله نو و مطالب متنوع در قالبهای نو بیان کند و ایشان را با واقعیات و عینیات جامعه آشنا نماید. مراسم و برنامه ها را طولانی نکند و از تکرار مطالب اجتناب کند.

اهل مسجد با خوشرویی و تبسم آنها را در کنار خود نشانده و از ایشان دلجویی کنند و بعضی از کارهای مسجد را به دست آنها بسپارند، از اشتباهات و لغزشهای آنان چشم پوشی کنند. در برپایی مراسم جشن و سرور و در اجرا و ارایه برنامه های تبلیغی مانند مقاله خوانی، شعر، سرود، پاسخ و سؤال از آنها استفاده کنند و مورد تشویقشان قرار دهند.

در نظافت و پاکیزگی مسجد عنایت شود. در و دیوار، فرش و پرده، گرما و سرما و ... و دهها مسأله ظریف دیگر که ممکن است موجب فراری شدن جوانان از مسجد شود، مورد توجه قرار گیرد. به طوری که جوان مسجد را خانه دوم خود بداند و در موقع ناراحتی و اضطراب به آنجا پناه آورد، و از اهل مسجد رهگشایی بخواهد.

پی نوشت ها :

1 - اقتباس و تلخیص از، دانش مسلمین، محمدرضا حکیمی، ص سیزدهم و پانزدهم.

2 - کافی، ج6، ص47.